

جمعه 2 خرداد 1399 - 28 رمضان 1441 - 22 می 2020

اعتراض مسلمانان جهان به هتك حرمت رژیم بعث عراق به عتبات عالیات (1370 ش)



اعتراض مسلمانان جهان به هتك حرمت رژیم بعث عراق به عتبات عالیات (1370 ش)، پس از آن که مردم مسلمان عراق از جنایات بی‌رحمانه رژیم حاکم بر عراق به ستوه آمده و دست به قیام فراگیر زدند، به دستور صدام حسین، دیکتاتور وقت عراق، علاوه بر کشتار وسیع و بی‌رحمانه مردم، اماکن مقدسه و عتبات عالیات در این کشور مورد هتك حرمت قرار گرفتند. این عمل رژیم بعث، احساسات مسلمانان و به ویژه شیعیان جهان را برانگیخت و طی راهپیمایی‌های متعدد اعتراض‌آمیز، آن را به شدت محکوم کردند. این بی‌رحمتی در حالی صورت گرفت که مردم عراق تا پیروزی فاصله چندانی نداشتند. در این زمان، آمریکا و متحدانش به کمک صدام شتافته و برای کشتار و سرکوب مردم، انواع کمک‌ها را در اختیار رژیم بعث قرار دادند. با پناه گرفتن مردم در حرم ائمه معصومین، این اماکن شریف توسط ارتش بعث مورد هجوم قرار گرفت و دشمن با احساس غرور دروغین، ژست پیروزی گرفت. در ایران به این مناسبت، از طرف رهبر معظم انقلاب اسلامی، دوم خرداد 1370، عزای عمومی اعلام گردید. بعد از سرنگونی رژیم بعث در فروردین 1382، گورهای جمعی فراوانی از مردم عراق که به دست صدامیان به شهادت رسیده بودند، کشف شد و ابعاد جنایات صدام در این واقعه بیش از پیش آشکار گشت.

وفات سید محمد شیرازی؛ سلطان الواعظین (1391 ق)، وی فرزند ارجمند حاج سیدعلی‌اکبر (اشرف الواعظین) معروف به اکبرشاه می‌باشد که در ماه ذی‌القعدة الحرام سال 1314 ق در تهران متولد شده و در حجر والد ماجد تربیت کامل یافته و مقدمات اولیه را در مدرسه پامنار تهران خوانده و در سال 1326 ق با والد مبرورش مشرف به عتبات عالیات شده و طی مدت دو سال در کربلا توقف و تحصیلات سطوح متوسطه را در نزد مرحوم فاضل مرندی و شهرستانی خاتمه داده است. سید محمد شیرازی در خدمت پدر به کرمانشاه مراجعت و به وظائف تبلیغاتی از طریق منبر مشغول گردیده و برای تکمیل علم و کمال و انجام وظائف و افاضه و استفاضه مسافرت‌های بسیاری به بلاد اسلامی عراق و سوریه و فلسطین و اردن و مصر و هندوستان نموده و با طوائف بسیاری از یهود و نصاری و هندو و منحرفین از دین از قبیل بهائی‌ها و قادیانی‌ها مناظرات دینی و مذهبی نموده که مهم‌ترین آن‌ها دو مناظره در بزرگ‌وی در 1345 ق است، یکی با برهمنیان در حضور قائد بزرگ هند گاندی در دهلی، و دیگری با دو عالم بزرگ سنت و جماعت حافظ محمد رسید و شیخ عبدالسلام در مدت ده شب و هر شب هشت ساعت، در شهر پیشاور پنجاب. جریان مناظره‌های سلطان الواعظین در تمام جراید آن زمان هند درج گردید. از آثار سید محمد شیرازی: «شب‌های پیشاور» در یک هزار و پنجاه صفحه (حاوی گزارش مجلس مناظره‌اش در پیشاور)؛ «صد مقاله سلطانی»؛ «ردیه بر یهود و نصارا»؛ «گروه رستگاران یا فرقه ناجیه» (در دو مجلد) را می‌توان نام برد. سلطان الواعظین در بیست و هشتم رمضان المبارک سال 1391 هجری قمری در تهران وفات نموده و جنازه‌اش با تجلیل فراوان به شهر مقدس قم و با تشییع آبرومندی که از طرف آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (رحمة‌الله‌علیه) از آن واعظ شهیر به‌عمل آمد در مقبره ابوحنسین مدفون گردید. زمان درگذشت سلطان الواعظین بنا به روایتی دیگر، بیستم شعبان المعظم 1391 ق اعلام گردیده است. نقل است که پس از فوت سلطان الواعظین؛ حجت‌الاسلام والمسلمین حائری تهرانی، مرحوم ثقة‌الاسلام حاج سیدجواد سه‌دهی را که از منبری‌های برجسته تهران بوده در خواب می‌بیند که در باغ بسیار بزرگی با وضع بسیار خوشی است، می‌پرسد: آقای سه‌دهی چطور می‌گوید؟ بسیار خوب و از وقتی که آقای سلطان الواعظین آمده است به هر کدام از ما یک درجه داده‌اند.

درگذشت "هکته هم‌گه" شاعر و نویسنده مشهور فرانسه‌ای (1885 م) ویکتور هوگو، درخشان‌ترین شخصیت ادبی فرانسه در قرن نوزدهم، در 26 فوریه 1802 م در شهر بزانشون فرانسه به دنیا آمد. وی در ابتدا وارد عرصه ادبیات گردید و پس از مطالعه آثار بزرگان، مقام ادبی مهمی به دست آورد. وی در 25 سالگی به عضویت آکادمی فرانسه پذیرفته شد و هم‌زمان به عنوان نماینده به پارلمان فرانسه راه یافت. هوگو در زمان حکومت ناپلئون سوم، به دلیل مخالفت با سیاست‌های مستبدانه وی از صحنه سیاست دور افتاد و نزدیک به 19 سال در تبعید به سر برد. در همین دوران بود که ویکتور هوگو، رمان‌های ماندگار خود را خلق کرد. هوگو را می‌توان مروج و پیشاهنگ مکتب رمانتیسیم در این دوره دانست چرا که این مکتب به وسیله او به اوج شکوفایی و رشد رسید. براساس مکتب رمانتیسیم، قواعد و سنت‌های کلاسیک، مانع درک طبیعت، لذت بردن از آن و بیان آن بود. این مکتب به برتری احساسات و تخیل بر عقل باور داشت و معتقد بود که هنرمند باید بدون هیچ قیدی به بیان احساسات خود بپردازد. هوگو، طرفدار آزادی در هنر بود. وی در اشعار خود از موضوعات مختلفی سخن رانده و از همه صورت‌ها و اشکال هنری بهره گرفته است؛ از سروده‌های حماسی تا هجوگویی و مرثیه. در اشعار او، مضامینی چون تضاد نیکی و بدی، وجدان و بی‌وجدان و روشنایی و تاریکی مدنظر قرار گرفته است. ویکتور هوگو

محبوب‌ترین نویسندگان زمان خود به شمار می‌آمد. این محبوبیت تاحدی به سبب تبعید وی که رنگی افسانه‌ای به خود گرفته بود و به سبب وضع سیاسی زمان بود که او را مظهر حکومت تازه معرفی می‌کرد، مربوط می‌شد. هم‌چنین به سبب حساسیت و ادراک او در برابر احساس‌های بشری که بیشتر با محرومیت‌ها و ناکامی‌های بشر ارتباط می‌یافت. هم‌چنین به سبب فصاحت بیان که در عین حال از سادگی برخوردار بود و به سبب نبوغ پرثمر و تنوع استعداد. ویکتور هوگو طرفدار اصلاحات به نفع طبقات محروم و رنج‌دیده بود. مسئله بزرگ از دیدگاه او بی‌عدالتی است که از آن به عنوان بدی یاد کرده است. زندگی هوگو به رغم ماتم‌ها و بدبختی‌های خانوادگی و به رغم تبعیدها، زندگی پیروزمندانه‌ای بود، برخوردار از سرنوشتی استثنایی با مفاخر فوق‌العاده. هوگو مظهر درخشان ملت جمهوری خواه بود. خطابه‌هایش در موارد مختلف، انعکاس وسیعی به همراه داشت و هر روز بر افتخار او افزوده می‌گشت. ویکتور هوگو در سال‌های پایانی عمر مورد احترام و ستایش عمومی بود به طوری که در جشن تولد هشتاد سالگی او، شش‌صد هزار تن از مردم پاریس و شهرهای دیگر فرانسه برای تهنیت و گرامیداشت او در برابر خانه‌اش گرد آمدند. بینوایان، مردی که می‌خندد، کارگران دریا، ناپلئون کوچک، گوژپشت نوتردام و روح انسان از معروف‌ترین رمان‌های ویکتور هوگو می‌باشند. ویکتور هوگو سرانجام در 22 می 1885م در 83 سالگی در اوج محبوبیت و شهرت درگذشت و پس از تشییعی با شکوه در پاریس به خاک سپرده شد.